اشکالات اجرای تعرفه نرخ یکسان در ایران

بهار، احمد

تعرفه«نرخ بیمه»متداول در کشور ما تعرفه نرخ یکسان است که این تعرفه تعیین کننده حداقل نرخ بیمه بوده که در اختیار مؤسسات بیمه قرار گرفته و حداقل نرخ برای هر موضوع بیمه‏ای در آن مشخص شده است.با اینکه این تعرفه فقط حد اقل نرخ را مشخص کرده است ولی اکثرا این نرخ‏ها از طرف شرکتهای بیمه بصورت نرخ بیمه قطعی در نظر گرفته میشود و مبنای تعیین حق بیمه اکثرا برای بیمه خطرات مشابه نرخ‏های یکسان منظور میگردد و توجهی بوضع خاص مورد بیمه نمیشود و با این طرز عمل، یک کار فنی و تخصصی بصورت ثابت و روتین درآمده و در واقع امر، دقت‏ها فنی و تخصصی در قبول بیمه اعمال نمیگردد و در نتیجه شکوفائی صنعت بیمه متوقف شده و این همان چیزی است که متأسفانه پس از قریب نیم قرن فعالیت بیمه‏ای در کشور، ما شاهد آن میباشیم.بی شک رعایت اثول فنی با لا خره باید در صنعت بیمه پا بگیرد گر چه در ابتدا متحمل ضرر و زیانهائی نیز بشود.برای توضیح بیشتر مطلب، به ذکر مثالی در بیمه آتش سوزی میپردازیم:

فرض کنیم که حد اقل نرخ بیمه آتش سوزی برای منازل مسکونی در تعرفه مربوطه یک در هزار ارزش مورد بیمه تعیین شده باشد که طبع این نرخ باید در هر ممورد با موقعیت و وضع منزل مسکونی مورد نظر انتخاب شود و این کار با در نظر گرفتن نوع مصالح بکار برده شده، فاصله مورد بیمه از بناها مجاور، نوع محل از نظر تراکم و یا خطرات اختصاصی(نوع کاری که در بنا انجام میگیرد).نزدیکی محل مورد بیمه به ایستگاه آتش نشانی، وجود وسائل اطفاء حریق در بنا و با لا خره تعداد طبقات و تأسیسات مختلف ساختمان متناسب باشد حال آنکه در عمل چنین نیست و موارد یاد شده در تعیین نرخ در نظر گرفته نمی‏شود و نرخ بیمه همان حداقل تعیین شده در تعرفه محاسبه می‏شود و گاهگاهی نیز از آن هم تخلف می‏شود و نرخ کمتری مبنای محاسبه قرار میگیرد.بدین ترتیب بازدید اولیه از مورد بیمه که جهت شناخت بهتر خطر و تشدید احتمالی خطرات عملا کاری بی محتوی میشود و بصورت یک عمل تشریفاتی در می‏آید و حال آنکه اگر واقعای بیمه‏گر بخواهد از این نوع تعرفه استفاده نماید باید بهای بیشتری برای این کار قائل شود زیرا این اقدام ممکن است نتایج زیر را در بر داشته باشد: 1-شناسائی خطرات و شرایط خطر که منشاء خسارتها بوده و مورد بیمه در معرض آنها قرار دارد. 2-ارائه روشهای مقابله با خطرات تشخیص داده شده توسط کارشناسان بیمه. 3-نتیجه گیری مؤسسات بیمه از این دو مورد، جهت چگونگی قبول تعهد و دخالت آنها در نرخ بیمه.

با توجه به مراتب فوق هر چه بیشتر باین موارد اهمیت داده شود نرخ انتخاب شده مناسبتر خواهد بود.با عدول از این کار کلیه محاسبات بیمه‏ای بر هم خورده و یا منتج به تورم حق بیمه‏ای خواهد شد که غیر عادلانه نزد شرکتهای بیمه باقی میماند و یا سبب ضرر و زیان بیمه‏گران از کار بیمه‏ای آنها میشود که در صورت این امر باعث پاشیدگی صنعت خواهد شد.

علاوه بر موارد یاد شده مورد دیگری است که در محاسبه نرخ باید مورد توجه قرار گیرد و آن کارمزد نماینده است که میزان آن در نرخ مشخص نیست در حالیکه عملا در آن مستتر میباشد و همان طوریکه‏ در مثال فوق به آن اشاره شد در نرخ بیمه آتش سوزی که یک در هزار ذکر میشود شرکتهای بیمه بر اساس نرخ مذکور قسمتی از حق بیمه را بعنوان کارمزد در نظر میگیرند که گاهی علاوه بر آن هزینه‏های دیگری را هم بعنوان مثلا هزینه صدور بیمه نامه، پاداش نقدی و تخفیف معمولی پرداخت میکنند که اینها همه در ضریب یک در هزار نرخ بیمه آتش سوزی منازل مسکونی است و آنچه پس از کسر این عوامل باقی میماند ضریب نرخ برای هزینه‏های اداری شرکتهای بیمه و خطر مورد بیمه است.لذا ضریب نرخ خطر مورد بیمه تابع ارقامی است که از نرخ کلی کاسته میشود در حالیکه نرخ خطر آن چیزی است که بر حسب آمارهای و بازدیدها و تجربیات بیمه‏گر محاسبه میگردد که تکنیک بیمه نامیده میشود و باید کاملا مشخص باشد و ضریبهای دیگر بر حسب مقدار به آن اضافه شود تا جایی که نرخ کلی حاصل گردد.حال ببینیم کارمزد چیست؟

کارمزد قسمتی از نرخ را تشکیل میدهد که بر اساس آن این قسمت از حق بیمه به نماینده و یا واسطه تعلق میگیرد.بنا بر این به بیمه نامه‏هائی که بطور مستقیم یا بعبارتی بدون دخالت نماینده عرضه میشود کارمزد تعلق نمیگیرد لذا طبیعتا باید این قسمت از حق بیمه که جهت کارمزد در نظر گرفته شده حذف گردد و نتیجتا نرخ بیمه برای بیمه نامه‏های مستقیم کمتر بوده و مبنای تعیین نرخ، عرضه مستقیم(فروش بدون واسطه)باشد.

در اینجا باید متذکر شد که حق الزحمه نماینده بابت آن قسمت از کاری که برای شرکت بیمه انجام میدهد بعنوان هزینه اداری، هزینه صدور، پاداش سالیانه و غیره پرداخت میگردد که در ازاء آن نماینده وظیفه دارد قسمتی از هزینه‏های اداری و صدور بیمه‏گر را تحمل کند و یا بعبارتی این هزینه‏ها را از دوش شرکت بیمه بردارد.آن قسمت که توسط بیمه‏گذار پرداخت میشود کارمزد میباشد که بابت کاری است که منحصرا در رابطه با بیمه‏گذار انجام میگیرد و این کار را اصطلاحا«سرویس»مینامند و ذیلا بشرح آن میپردازیم:

بیشتر بر این تصور هستند که نمایند بیمه فقط فروشنده بیمه است یعنی بیمه ایکه از طرف شرکت بیمه عرضه میشود نماینده اقدام به فروش آن مینماید در حالیکه اگر چنین تصور شود این سؤال پیش خواهد آمد که پس بیمه‏گذاران بابت چه خدمتی باید کارمزد پرداخت کنند؟چون این خدمتی است که برای شرکتهای بیمه انجام میگیرد نه خدمت به بیمه‏گذاران و یا بهتر بگوئیم انجام تشریفات اداری است که جهت صدور یک بیمه نامه(بردن پیشنهاد بیمه به نزد بیمه‏گذار و اخذ امضاء و استرداد مجدد آن به شرکت بیمه) توسط نماینده انجام میگیرد و بابت آن همانطوریکه فوقا به آن اشاره شد حق الزحمه‏ای بعناوین مختلف دریافت میدارد.پس چه موقع بیمه‏گذار باید کارمزد پرداخت کند؟چون دادن اطلاعات بیمه‏ای از طرف شرکتهای بیمه به بیمه‏گذاران بطور مستقیم امکان پذیر نیست لذا این شرکتها برای ایجاد تسهیلات بیشتر در این امر اقدام به تعلیم و تربیت افرادی در فن بیمه نموده و آنها را بعنوان نماینده یا واسطه در خدمت جامعه قرار میدهند تا مردم بتوانند از دانش و تجربه آنها در جهت رفع مشکلات بیمه‏ای خود استفاده نمایند.در غیر اینصورت مجبور خواهند بود با مراجعه به مشاوران و شرکتهای حقوقی متحمل صرف وقت و هزینه‏ها زیادی گردند که تازه دسترسی به چنین افرادی نیز ممکن است میسر نگردد.بدین ترتیب با استفاده از دانش بیمه‏ای این نمایندگان آگاه حداکثر منافع مردم در انجام کارهای بیمه‏ای فراهم میشود که طبعا این خدمت مستلزم صرف هزینه‏هائی خواهد بود که بعهده آنها میباشد و شرکتهای بیمه در نرخ بیمه خود متناسب با عرف زمان محاسبه حق بیمه در نظر میگیرند و بیمه‏گذاران در قالب حق بیمه آن را به شرکتهای بیمه پرداخت مینمایند که این مبالغ همان کارمزدی را تشکیل میدهد که نرخ آن باید قبلا مشخص شده باشد.

نتیجه‏

با توجه به آنچه گفته شد مشخ میگردد که بحث در مورد نرخ یکسان برای موارد مشابه بیمه‏ای بهمین مختصر پایان نمیگیرد و جای آن دارد تا موضوع بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد و همزمان با قبول هر خطر مؤسسات بیمه بیشتر جوانب خطر را بسنجند تا در نتیجه برای هر تعهدی که قبول می‏کنند با در نظر گرفتن عوامل تشکیل دهنده نرخ، نرخ مناسب(با توجه به شرایط اختصاصی آن موضوع بیمه‏ای)همان تعهد را محاسبه کنند تا کاملا مشخص شود که هر عامل چند درصد از نرخ را تشکیل داده است.این کار هم میتواند بنفع بیمه‏گذار باشد و هم بیمه‏گران میتوانند با دریافت حق بیمه مناسب تعهدات مناسب در قبال بیمه‏گذار قبول نمایند که نتیجتا اعمال این روش باعث افزایش سطح درآمد حق بیمه شرکتهای بیمه نیز میگردد زیرا دست یافتن به یک پرتفوی متعادل مستلزم آن است که شرکتهای مزبور قادر به ارائه پوششهای بیمه‏ای با نرخهای مناسب باشند.

در خاتمه محاسبه نرخ بتدریج با تکنیک بیشتری صورت میگیرد و این تکنیک باعث جلوگیری از ایجاد تورم حق بیمه در مؤسسات بیمه از یکطرف و پرداخت حق بیمه مناسب توسط بیمه‏گذار از طرف دیگر خواهد شد و بازدیدهای اولیه و مستمر جنبه جدی‏تری بخود گرفته و حقیقتا بصورت یکی از عوامل تعیین کننده نرخ در خواهد آمد.